

یخچال و سقاخانه خوانسار و موقوفات آن

حمید رضا میرمحمدی

چکیده:

قبل از رواج و استفاده از یخچال‌های برقی فعلی جهت تهیه یخ، ساختمانی با معماری خاص با گنبدی خشتی می‌ساختند به نام یخچال و چون انبار یخ جهت جلوگیری از ذوب شدن یخ در داخل گودال قرار داشت، به آن یخ‌چال می‌گفتند. مجاور این یخچال‌ها اغلب مکان‌هایی به عنوان سقاخانه بنا می‌گردید و عمدتاً یخ سقاخانه به صورت رایگان از یخچال دریافت می‌شد. برخی از یخچال‌ها و سقاخانه‌ها را بانیان و خیرین جهت استفاده عموم وقف می‌نمودند که این امر ماندگاری این بناها را بیشتر نموده است. در این مقاله، به ساختمان یخچال و سقاخانه وقفی خوانسار پرداخته شده است. این بنا تا دهه‌ی ۱۳۵۰ دایر بوده و اکنون تخریب گردیده است.

کلید واژه‌ها:

یخچال، سقاخانه، پلگوش.

مقدمه

قبل از رواج یافتن یخچال‌های موتوری در شهرها و روستاها جهت تهیه یخ و مصرف آن در فصل گرما، ساختمانی را با ویژگی‌های خاص می‌ساختند به نام یخچال که در فصل زمستان در داخل انباری عمیق و گود، یخ را در آن چال می‌نمودند و در فصل گرما از آن استفاده می‌کردند^(۱).

بنای یخچال‌های سنتی از عناصر بسیار جالب در شهرهای ایران است که با استفاده از یخچال‌های برقی به نابودی کشیده شدند. در ساختمان آن‌ها از تمام مصالح موجود در نزدیک‌ترین محل ساخت و ساز به ویژه خشت و گل، ساروج^(۲) و سنگ استفاده شده است. یخچال‌های سنتی در حقیقت جزییی از بناهای خدمات عمومی رایج در شهرها و روستاهای ایران به ویژه در فاصله بین تهران، قم، کاشان، اصفهان، یزد، کرمان و بم بوده است. در مطالعه یخچال‌های سنتی به شیوه معماری در ساختمان آن‌ها به خصوص از نظر عایق کاری و حفظ برودت می‌بایست توجه

نمود. آخرین یخچال‌های سنتی تا سال ۱۳۴۹ شمسی (۱۹۷۰م) در تهران، اصفهان و سایر شهرها مورد استفاده قرار می‌گرفت اما اکنون در نتیجه عدم نیاز جامع، اغلب آن‌ها یا نابود شده و یا در حال نابودی هستند^(۳) ساختمان یخچال از دو قسمت یخ‌چال و یخ‌گیر یا یخ‌چائون تشکیل می‌شده است.

یخ‌چائون (یخ‌گیر)

یخ‌چائون یا یخ‌گیر محلی بوده با ابعاد حدود ۶ × ۱۰ متر با دیواری بلند و قطور، با جهتی شرقی - غربی که در فصل زمستان از تابش مستقیم نور خورشید از سمت جنوب جلوگیری نموده و پشت دیوارهای بلند همیشه سایه باشد. تعداد دیوارهای شرقی - غربی به تناسب اندازه یخچال مختلف و به صورت موازی بود. فاصله بین دو دیوار حدود ۱۰ الی ۱۵ متر ذکر شده. در واقع فاصله بین دو دیواره محل یخ‌گرفتن و یخ‌بستن آب بود. این محل نسبت به زمین‌های اطراف نیم (۵/۰ متر) الی ۱ متر پایین‌تر بود. و به علت

وجود سایه، محل مناسبی جهت یخ گرفتن آب در شب بوده است. در شب‌های زمستان آب مورد استفاده جهت یخ گیری را معمولاً از محل دوردست به یخچال می‌آوردند تا در طول مسیر سرد شده و آن‌گاه آن را وارد یخ چال می‌کردند. شب آب در چائون یخ می‌بست و جهت افزایش قطر یخ، کارگران مرتب آب را به صورت باریک‌های کوچک بر روی قشر یخ جاری می‌ساختند و بدین ترتیب بر قطر یخ افزوده می‌شد. افزایش قطر یخ بستگی به سردی هوا و فعالیت کارگران و عمق یخ چائون داشت. در دیوار یخچال دریچه‌ای قرار داشت به نام «دروازه» که سُرُسره‌ای با شیب از آن عبور می‌کرد و یک طرف آن متصل به یخ چائون و طرف دیگر آن متصل به گود یخ چال بود. هنگامی که قطر یخ به حد متناسب می‌رسید کارگران با تبر یخ‌ها را شکسته و توسط چنگالک‌های دسته بلند قطعات شکسته شده یخ را به جلو دریچه آورده و آن‌ها را از طریق دریچه در روی سُرُسره قرار داده، یخ

سرخورده و به گود یخ چال می‌افتاد.

یخ چال

گود یخ چال و یا انبار یخ محل وسیعی بوده به ابعاد تقریبی ۱۰ متر عرض، حدود ۳۰ متر طول و ۱۰ متر عمق که داخل گودال توسط آجر ساخته می‌شد و تنها گنبد آجری و ضربی آن از سطح زمین بالاتر بود. در وسط گود یخ چال چاهی حفر می‌کردند که هنگام شستشوی کف یخ چال و هنگام آب شدن یخ‌ها آب به داخل چاه می‌رفت. هنگامی که قطعات یخ از محل یخ گیر (یخ چائون) به داخل یخ چال انتقال می‌یافت، کارگران داخل گود یخ چال شده و قطعات یخ را جابه‌جا می‌کردند تا تمام کف گود پر از قطعات یخ و یک پارچه گردد. در یکی از اضلاع گودال یخ چال پله‌های آجری تا سطح زمین ساخته می‌شد که محل گود را به اطاق یخ فروشی متصل می‌کرد. در انبار یخ چال حدود ۲۵۰۰ مترمکعب یخ انباشته می‌گردید. معمولاً در هر یخ چال دو نفر به کار اشتغال داشتند. فروش قطعات

یخ در داخل اطاق فروش و توسط ترازویی که به سقف آویزان بود وزن و تحویل می‌گردد. دریچه انتقال یخ از گود یخ چال به اطاقک فروش یخ، دارای یک در بوده که از ورود هوای گرم به داخل یخ چال جلوگیری به عمل می‌آمد^(۴).

یخچال وقفی خوانسار

ساختمان یخچال خوانسار مجاور خیابان فعلی سیزده محرم^(۵) در فاصله اندکی از بازار واقع گردیده بود. این بنا در سال ۱۳۱۰ هجری قمری توسط مرحوم حاج غلامعلی ابن زین العابدین خوانساری در محله موسوم به محله «پل گوش»^(۶) بنا گردیده و آب مورد نیاز آن از نهر موسوم به «لا»^(۷) تأمین می‌شد.

معمولاً در یخچال از اواسط خردادماه باز و یخ‌ها مورد بهره‌برداری و فروش قرار می‌گرفت. متن وقفنامه یخچال فوق بر روی سنگ حک و بر دیوار سقاخانه علیا نصب گردیده بود. متن وقفنامه چنین است:

هو الواقف علی السرائر
وقف مؤید نمود جناب حاجی
غلامعلی ابن زین العابدین یک باب
یخچال جدید بنای خود واقع در
محله پلگوش را مع دو سقاخانه
[سقاخانه] بر عموم خلائق که بر وجه
استمرار روزی یک بار یخ در سقاخانه
علیا و سفلی برند وجه یخ را بعد از
مخارج سقاخانه و یخچال صرف مرثیه
و روضه خوانی حضرت اباعبدالله
الحسین علیه السلام به هر نحو که متولی صلاح
داند کنند مشروط بر آن که یخ را بدون
قیمت نبرند که حرام است. ۱۳۱۰ ق.

یخچال فوق در دهه پنجاه تخریب
و در محل آن ساختمان شخصی بنا
گردیده و از حالت وقفیت خارج
گردیده است. از عبارت «یخچال جدید
البناء» مذکور در وقفنامه چنین می‌نماید
که قبل از یخچال فوق یخچال دیگری
بنا گردیده بود.

چون مسیر عبور آب نهر «لا» تا
محل یخ گیری از بین زمین‌هایی که
متعلق به واقف نبوده عبور می‌کرد. لذا
مرحوم واقف زمین‌های محل عبور آب



سنگ نوشته موقوفه یخچال خوانسار



تصویر اجاره‌نامه بخچال خوانسار در سال ۱۳۱۱ هـ. ق

و یخ گیری را اجاره نموده به قیمت هفتادوپنج من یخ در هر سال تا زمانی که یخچال برقرار است. متن اجاره نامه بدین شرح است:

نسختان

بسم الله [الرحمن الرحيم]

چون یک باب یخچالی که مرحوم مغفور حاج غلامعلی درباغ مرحوم آقا زین العابدین بنا نموده بود مجرای آب جهت گرفتن یخ نداشت لهذا حاضر شد عالیشان عزت نشان آقا محمدحسن خباز خلف مرحوم آقا حسن بن آقا صالح و مصالحه صحیحه شرعیه نمودند در حق عالیشان عزت نشان خیرالزائرین کربلایی غلامرضا فرزند ارجمند مرحوم حاجی مرقوم اخوی ایشان راه عبور آب را از میان باغ مشجر خود که جنب یخچال واقع است و حق العبور اشخاصی که مواظب گرفتن یخ هستند که از درب که در میان خانه جدیدالبناء که متصل به باغ و یخچال است عبور بنمایند جهت باز نمودن آب و بستن آن از ابتدای اول تحویل شمسی برج^(۸) عقرب^(۹) الی اول تحویل شمسی برج

حمل^(۱۰) که انشاء الله الرحمن الی زمانی که یخچال برقرار است و آب از باغ آقا محمدحسن عبور می نماید ولو انشاء الله برسد به دویست سال شمسی مال الصلح موازی هفتادوپنج من یخ که از ابتدای فروش یخ از دو ماه گذشته از نوروز باشد تحویل ایشان بنمایند و شرط دیگر آن که دریچه که در میان خانه یخچال است از اول عید نوروز الی اول عقرب حق بازکردن نداشته باشند و کلانی^(۱۱) از پشت که میان باغ باشد آقا غلامرضا ببندد و کلید آن را آقا محمدحسن داشته باشد الی اول عقرب و شرط دیگر آن که هرگاه از بابت آب یا عبور در باغ در زمانی که می خواهند یخ بگیرند که عبور در باغ می نمایند خرابی به باغ وارد آمد چه از بابت اشجار و چه از بابت محصول زمین که^(۱۲)..... نبود که آب ضرر برساند یا خرابی دیوار از عهده برآیند به تصدیق اهل خبره و دیواری که میان باغ است که درب نصب است الی زمانی که یخچال برقرار است ملک طلق^(۱۳) کربلا غلامرضا می باشد

و هرگاه خدا نخواسته یخچال از میان رفته دیوار مال خود آقا محمدحسن است و حق العبور هم طلبکار نیست و صیغه شرعیه بینهما جاری و واقع گردید فی یوم سه شنبه بیست و هشتم شهر ذیحجه الحرام مطابق سنه ۱۳۱۱ (یکهزار و سیصد و یازده) توضیح آن که در هر سال هفتاد و پنج من یخ را باید بدهد الی زمانی که آب از میان باغ آقا محمدحسن می برند جهت گرفتن یخ فی التاریخ المرقوم ۱۳۱۱ توضیح دیگر آن که محل دیواری که آخر کتاب قلمی شده محل دیوار ملک آقا محمدحسن است و اصل دیوار مال کربلایی غلامرضا است و آقا محمدحسن حق خراب کردن ندارد فی التاریخ. هو

اعترف آقا محمدحسن و آقا غلامرضا به ما رقم لیدی الحقیق فی جمادی الاخری ۱۳۱۱

مهر: محمود بن محمد باقر مهر:
 مهدی بن ابوالفضل الموسوی
 وقع ذالک ما رقم فیہ فی المتن
 والهامش ولدی حقیق اقل

مهر: لا اله الا الله الملك الحق المبين -
 عبده محمد هاشم
 وقع ما رقم لیدی الحقیق و حرره فی
 ۲۸ ذیحجه الحرام ۱۳۱۱
 مهر: محمد مسیح ابن احمد الموسوی
 اعتراف نمودند عالی شأن
 آقا محمدحسن و آقا غلامرضا به
 مضمون ورقه نزد حقیق
 مهر: مهدی بن جمال الدین الموسوی
 مهر: عبده محمد صادق الموسوی

سقاخانه

فلسفه آب دادن و آب نوشاندن از ظریف ترین دقایق بینش اسلامی به شمار می آید. در غزوات و جنگ های صدر اسلام آب دادن حتی به اسرای جنگی مستحب و مباح شمرده می شد. این شیوه تفکر در شهرهای اسلامی به صورت سقاخانه های گوناگون معمول گردید. سقاخانه به اشکال مختلف و گاه به صورت سنگابی از سنگ یک پارچه به شکل دایره، بیضی و یا چهار گوش ساخته می شد. و روی آن کتیبه و نقش و نگارهای زیبا کنده کاری می کردند.

متأسفانه محل یخچال امروزه به تصاحب اشخاص درآمده و از حالت وقف خارج گردیده و محل سقاخانه علیا و سفلی در برنامه توسعه شهری در محدوده خیابان قرار گرفته و نه تنها بنایی به نام یخچال و سقاخانه در شهر وجود ندارد بلکه موقوفه‌ای نیز بدین نام موجود نیست. امید است انتشار این مقاله بتواند کوششی در جهت احیاء موقوفه فوق باشد.

در میان شیعیان سقاخانه فراتر از بزرگداشت فلسفه آب دادن، یادآور واقعه غم انگیز کربلا و تشنگی حضرت امام حسین علیه السلام و فرزندان و صحابه اوست و نشانه‌ای از مبارزه علیه بیداد و ستمگری است (۱۴).

سقاخانه خوانسار

در نمای بیرونی اغلب مساجد خوانسار مکانی جهت سقاخانه و مجرای آبی بدین منظور ایجاد گردیده که هنوز برخی از آن‌ها دایر است. ولی در دو مکان مختلف، دو سقاخانه مستقل در بافت قدیم شهر دایر بوده که امروزه تخریب گشته‌اند. سقاخانه‌ای مجاور بازار قدیم موسوم به بازار بالا واقع در خیابان سیزده محرم که دارای سنگابی از سنگ یک‌پارچه به صورت دایره بود و سقاخانه‌ای در بازار موسوم به پلگوش که آن هم متأسفانه تخریب گشته و به سقاخانه سفلی مشهور بوده است. این دو سقاخانه در فصل گرم سال از یخچال محله پلگوش یخ دریافت می‌کردند.

مكتبة الكتاب



پی‌نوشت‌ها:

۱. جغرافیای خوانسار، ج ۲، ص ۱۹۲
 ۲. ساروج - مخلوطی از آهک و خاکستر یا ریگ که در آب به مرور جذب انیدرید کربنیک کند و آهکش به صورت سنگ آهک که محکم و پایدار است در می‌آید و آن را در ساختن حوض، آب انبار، گرمابه و خانه به کار می‌رود. (فرهنگ فارسی معین، ج ۲ ص ۱۷۹۱)
 ۳. فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۳۵، ص ۴۲
 ۴. جغرافیای خوانسار، ج ۲، صص ۱۹۳-۱۹۰
 ۵. علت نام‌گذاری خیابان فوق به سیزده محرم آن است که در ۱۳ محرم سنه ۱۳۹۹ مطابق ۲۳ آذر ۱۳۵۷ تعداد ۴ تن از شهدای انقلاب خوانسار به درجه شهادت نایل آمدند و این خیابان به نام سیزده محرم نام‌گذاری گردیده است.
 ۶. پُل گوش - اصل آن را پُل گوشه گفته‌اند و این بدان سبب است که انتهای بازار موسوم به دوره خوانسار و ابتدای بازار موسوم به پُلگوش در محل رودخانه جهت ارتباط این دو بازار با یکدیگر در ضلع غربی میدان امام فعلی پُل بر روی رودخانه احداث و ارتباط بازار دوره و بازار بالا (پلگوش) به وسیله این پل که در گوشه یا کنج رودخانه ساخته شده بود برقرار گردید لذا از گذشته تا کنون محله فوق و بازار مجاور آن را به پُل گوش موسوم گردیده است.
۷. نهر لا، یکی از نهرهای یازده گانه جاری در شهر خوانسار است. محل عبور آن از بخش جنوبی شهر است. نام دیگر آن نهر جیداست. جیدا به معنای یهودی است و چون محل جریان آن سابقاً از محله یهودی نشین بوده است به این نام موسوم گردیده است. این نهر به سمت محله جوزچه جریان می‌یابد. (جغرافیای خوانسار، ج ۲، ص ۳۰۸)
۸. برج - مسیرسالیانه گردش ظاهری خورشید به دور زمین به دوازده قسمت برابر (هر کدام به عرض ۳۰ درجه) تقسیم گردیده است و هر یک از قسمت‌های دوازده گانه به نام یکی از صورت‌های فلکی که غالباً مأخذ یونانی دارند نامیده شده و در واقع هر کدام یکی از برج‌های ۱۲ گانه سال خورشیدی را تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که تا قبل از سال ۱۳۰۴ ماه‌های شمسی با همان عنوان عربی نامیده می‌شدند و از سال مزبور نام‌های فارسی جایگزین آن‌ها گردیده است. (فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، ص ۶۶)
۹. عقرب - به معنای کژدم برابر با آبان فارسی است.
۱۰. حمل به معنای بره برابر با فروردین ماه است.
۱۱. کلانی - کلونی، کلان، قید چوبی که پشت در نصب کنند و در را به وسیله آن ببندند. (فرهنگ فارسی معین، ج ۳ ص ۳۰۴۱)
۱۲. مواضع نقطه چین از بین رفته است.
۱۳. ملک طلق - طلق، چیزی که خاص

شخص باشد، بی شریک، ملک طلق،
ملک شخصی (فرهنگ فارسی معین، ج ۳،
ص ۲۲۳۳)
۱۴. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی،
صص ۱۲۵-۱۲۴

منابع:

۱. جعفری، عباس، فرهنگ بزرگ گیتا شناسی (اصطلاحات جغرافیایی)، انتشارات گیتاشناسی، چاپ اول ۱۳۶۶
۲. سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸
۳. شفقی، سیروس، یخچال‌های سنتی ایران مرکزی نمونه‌ای از نبوغ معماری، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۳۵، بهار ۱۳۸۶
۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، چاپ ۱۱، ۱۳۷۶
۵. میرمحمدی، حمیدرضا، جغرافیای خوانسار، ج ۱ و ۲، ناشر: دبیرخانه کنگره بزرگداشت علامه آقاحسین خوانساری، قم، ۱۳۷۸
۶. نسخه خطی اجاره‌نامه مربوط به زمین‌های اطراف یخچال خوانسار
۷. سنگ نوشته وقفنامه یخچال خوانسار